



۲۰۱۵/۰۱/۲۰

جلیل غنی

نام مستعار

استفاده از نام های مستعار مثل هر پدیده دیگر جهان بشریت و مرتبط به انسان، پیشینه و دلایلی دارد که چنین دلایل یا به مرور زمان منتفی می شود و ضرورت استفاده از آن رفع میگردد و یا هم برای بر آورده ساختن مقاصد و منافع شخصی ادامه پیدا میکند. اما یک نویسنده که بیشتر درین نگارش مورد توجه است انتخاب سهل و آسانی برای بیان نظریات و فر آورده های ذهنی و تخیلی اش دارد که پیوند مستقیم با استفاده از هویت اصلی و یا استعاری او دارد. هر یک از این راه ها دارای امتیازات و هم معایبی می باشد که بعداً در همین نوشته بر آن نظری خواهیم داشت.

در افغانستان از همان آوانی که نخستین نشریه موقوت در سال 1290 هجری قمری مطابق 1873 میلادی به نام شمس النهار در دوره زمامداری امیر شیر علیخان به نشر رسید تا کنون در نشرات داخلی و چه در نشرات بیرون مرزی مثل هر کشور دیگر پیشرفته و انکشاف یافته و یا عقب مانده و انکشاف نیافته استفاده از نامهای مستعار معمول بوده است مخصوصاً درین اواخر در نشرات انتر نیتی و وب سایت ها و پورتالهای افغانی که با چنین نامهای نا شناخته و مستعار بیشتر بر میخوریم.

برای اینکه اندکی به پیشینه استفاده از نامهای مستعار در افغانستان آشنا شویم و هم دلیل استفاده از این نام ها را به حیث نمونه ارائه داریم، از شخصیت های برازنده که در بخشهای ادب و فرهنگ و سیاست میتوان یاد کرد و نامهای شان ثبت تاریخ گردیده و از جمله افتخارات افغانستان در عرصه های یاد شده هستند، میتوان از عبدالهادی داوی، محمد هاشم میوندوال و عبدالرحمن پژواک نام برد. مرحوم داوی در آغاز اشعار و مضامین اش را به نام «پرشان» نشر میکرد. مرحوم میوندوال به نام «پردیس» و مرحوم پژواک به نام های «وفا» و «ارمانجن» اشعار و مضامین شان را نشر میکردند.

به روایت دوست محترم و آگاه جناب ولی احمد نوری، بی مناسبت نیست در باب تخلص های مرحوم میوندوال و مرحوم پژواک خاطره را به نگارم: در زمان صدارت محمد هاشم خان که به شهادت تاریخ با پنجه آهنین زمام امور را به پیش می برد و قدرت کامل دولت و حکومت با وصف حضور «محمد ظاهرشاه» به حیث پادشاه جوان کشور، به ید با اقتدار او بود، مقالاتی به قلم «پردیس» و «ارمانجن» در روزنامه های انیس و اصلاح نشر میشد که هاشم خان با وصف همه مصروفیت ها همه مقالات روزنامه ها را شخصاً از نظر می گذرانید و وقتی با مقالات پر محتوای این دو نویسنده گمنام بر خورده بود به استاد صلاح الدین سلجوقی رئیس مستقل مطبوعات هدایت داده شده بود تا این نویسندگان را شناسائی و به حضور او با مسؤلین امور نشراتی ریاست مستقل مطبوعات و مدیران مسؤل انیس و اصلاح ببرد. خون به جان نویسندگان و مدیران مسؤل به اصطلاح خشک شده بود ولی باید حاضر می شدند. وقتی این دو نویسنده جوان و متفکر و وطن دوست یعنی محمد هاشم «پردیس» و عبدالرحمن «ارمانجن» به صدر اعظم معرفی شدند، هاشم خان بعد از توصیف مقالات آنها و تشویق این دو جوان به «پردیس» آن زمان گفت چون منسوب به خطه نامدار میوند هستی چرا میوندوال تخلص نمی کنی و به «ارمانجن» آن زمان گفت پژواک مقالات تو تا کشور های همسایه می رسد بهتر است «پژواک» تخلص کنی و پس از آن این دو جوان که آینده سازان افغانستان فردای آن زمان گردیدند بنام های «میوندوال» و «پژواک» نگاشتند و نوشتند و تا حیات داشتند به همین نامها در ادب و فرهنگ و سیاست و حکومتداری خدمت کردند و به شهرت رسیدند و امروز جزء افتخارات فرهنگی و سیاسی افغانستان ثبت تاریخ هستند.

و اما پیشینه استفاده از نام های مستعار در جهان:

استفاده از نام های مستعار در قرن هجده در اروپا بسیار معمول بود و این زمانی بود که ژورنالیستها و نویسندگان میخواستند در مورد موضوعات جنجال بر انگیز و یا حتی مقالات غیر قانونی و هم مکاتبی به گرداندگان روزنامه ها به نویسند.

از جمله شخصیت های معروف سیاسی و نویسندگان برازنده که از نام های مستعار استفاده کردند فقط با ذکر دو نام اکتفا می کنیم. نخست بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin) امریکائی که در نوشتن اعلامیه استقلال آمریکا و قانون اساسی این کشور نقش برازنده و فعالی داشت و ثانیاً ماری آن ایوانس (Mary Ann Evans) که در نوشته هایش از نام مستعار جارج ایلویوت (George Eliot) استفاده میکرد.

بنجامین فرانکلین (هفدهم جنوری 1706 - هفدهم اپریل 1790) فرزند کسی بود که دکان شمع سازی و صابون سازی داشت و بنجامین برای اینکه به پدرش کمک مالی کرده بتواند مکتب را از صنف دهم ترک گفت و به پدرش در این دکان کمک میکرد. شاید هم پدرش بر ای منصرف ساختن فرانکلین نو جوان از پیوستن به کار مندان در بحر که برادرش رفته بود، او را که هنوز دوازده سال عمر داشت در چاپ خانه برادرش «جمز» (Jams) به شاگردی نشانند و در همانجا بود که بنجامین با روزنامه ها آشنائی پیدا کرد و شوق نویسندگی به سرش زد و چون استعداد داشت به نوشتن مقالات آغاز کرد ولی وقتی برادرش «جمز» از نشر مقالات او ابا ورزید فرانکلین که درین زمان شانزده سال عمر داشت مقالاتش را به چاپخانه برادرش می فرستاد ناچار نام زنانه (Mrs. Silence Dogood) را انتخاب کرد.

نویسنده دیگری که برای نشر مقالاتش نام متفاوت و مردانه برای کتمان هویت اصلی اش انتخاب کرد داستان نویس، ژورنالیست و مترجم انگلیسی بنام «ماری آن ایوانس» (Mary Ann Evans) است که از 22 نوامبر 1819 تا 22 دسمبر 1880 می زیست و چون در جامعه مرد سالار آن زمان مقالات او به حیث یک زن خواننده کمتر داشت نام مردانه جارج ایلویوت (George Eliot) را انتخاب نمود و به این نام مستعار آثارش را چاپ میکرد.

در هر کشوری بروی دلایل خاص اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و امنیتی استفاده از نام مستعار برای نشر نظریات و فر آورده های علمی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی محدودیت های وجود دارد مخصوصاً این امر در کشور های دارای نظام های استبدادی که اختناق فرهنگی و سیاسی و تابو های اجتماعی (موضوعاتی که بحث بر آنها ممنوع تلقی میگردد) بر جامعه حاکم است، جرأت نویسندگان را از اظهار حقایق و واقعیت ها، در هراس از مصونیت جان و مال نه تنها خود شان بلکه خانواده و اقارب شان سلب میکند، استفاده از نام های مستعار بیشتر معمول است ولی در جوامع دموکراتیک و مردم سالار که غیر از افشای اسراری که منافع ملی و اسرار دولت ها را به خطر مواجه سازد و یا هم بر ضد منافع ملی باشد، مسایل عادی و نظر های انتقادی و یا و تحلیل های عالمانه و نقد گونه آزاد است و ضرورت استفاده از نام مستعار رفع میگردد. ولی این یگانه دلیل استفاده از نام مستعار نیست و دلایل دیگری هم به آن افزود شده میتواند. تحقیقات و بررسی های که در جوامع مختلف مخصوصاً در جوامع دارای نظام های مردم سالار، با در نظر داشت اصل آزادی بیان، صورت گرفته دلایل ذیل هم برای استفاده از نام مستعار مطرح بوده میتواند:

- 1 - نویسنده دیگری به همین نام وجود دارد.
- 2 - برای کتمان نمودن هویت نویسنده. اتفاق می افتد که نویسنده دیگری با عین نام آثاری نشر کرده که هویت نویسندگان باید از هم مجزا باشد.
- 3 - برای کتمان نمودن هویت نویسنده. وقتی نویسنده مطالبی می نویسد که با موقف اجتماعی و یا سیاسی او مغایرت می داشته باشد مثلاً وقتی یک استاد فیزیک یک پوهنتون شناخته شده بخواهد مثلاً در مورد هم جنس بازی و یا بی خدائی در یک جامعه سنتی به نویسند و نخواستنه باشد که به نام خود او نشر شود.
- 3 - تلفظ نام و یا نوشتن درست آن مشکل باشد.
- 4 - نام نویسنده دارای حروف و الفاظ طولی باشد که هم برای ناشر و هم برای خواننده آسان نباشد.
- 4 - اگر نام اصلی نویسنده شهرت خوبی نداشته باشد و شباهت بسیار نزدیک و یا همسان باشد با نام مثلاً آسامه بن لادن.
- 5 - این که آثار قبلی نویسنده با نام اصلی او فروش و یا خواننده زیاد نداشته است.

مواردی که از آنها نام برده شد یگانه و همه موارد نیست بلکه برای روشن شدن مطلب تذکری از چند نمونه استفاده از نام مستعار بود. وقتی به نشرات انتر نییتی و وب سایت های مخصوصاً افغانی نظر اندازی شود نام های متعدد مستعار به چشم میخورد که در همان دید نخستین خواننده درک می کند که این نام اصلی نیست. بکار برد چنین نام های نا مانوس و بدون شناخت و یا نام اول نویسنده باعث کاهش تاثیر مقاله و یا اثری می شود که نگاشته شده است. اگر به وجود آورنده یک اثر به آنچه که میگوید باور و اعتقاد داشته باشد، به درستی ادعا و

د پاپو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

مطلبش ایمان داشته باشد، به صداقت گفتارش اعتقاد داشته باشد و در عین زمان خطر جانی و مالی متوجه او و اقربش نباشد، تحت تعقیب و پیگرد یک نظام استبدادی قرار نه می‌گیرد و در یک جامعهٔ مختنق سنتی و عقب مانده به سر نمی‌برد و ده‌ها سوال و مورد دیگر که حیات و حیثیت او را به حیث یک نویسندهٔ رسالت‌مند و صادق به جامعه اش معروض به خطر نمی‌سازد چه لزومی خواهد بود که از نام مستعار استفاده کند؟ یکی از دلایل همیشگی که در ذهن هر خواننده‌ی خطور میکند این است که نویسنده با استفاده از نام مستعار می‌خواهد هویت خود را پنهان داشته باشد و یا هم می‌خواهد با این نوشته و اثرش مورد شماتت و انتقاد دیگران قرار نگیرد و یا هم از آن هراس دارد که ادعای علیه اشخاص و یا اعتراضاتی که بر یک اثر و نوشتهٔ دیگری دارد مدلل و مستند نیست و مورد تدقیق و بررسی قرار می‌گیرد و بر شهرت صدمه می‌زند پس بهتر است زحمت اضافی به خود ندهد چون آن نوشتهٔ او در همان دید اولی که تشخیص می‌شود نگارنده هویتش را به هر دلیلی که هست کتمان کرده و نمی‌خواهد شناخته شود، لطمهٔ عظیمی خودش بر نوشته خویش زده است. جرأت اخلاقی یکی از خصایل نیک هر ژورنالیست، نویسنده، هنرمند و نقاش و پیکر تراش و هر به وجود آورندهٔ یک اثر ادبی و فرهنگی و علمی است و خلق‌کنندهٔ این آثار در یک فضای باز و دموکراتیک و قانونمند می‌تواند شجاعانه و با شهامت از آن دفاع نماید.

در سالهای 1980 که مقاومت مردم افغانستان در مقابل تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان به اوج خود قرار داشت و بیش از پنج میلیون افغان آوارهٔ کشور های دیگر مخصوصاً پاکستان و ایران گردیدند، و دیکتاتور های استالینستی عرصهٔ نفس کشیدن را بر تعداد زیادی از قشر تحصیل کرده و ملی گرای افغانستان و دانشمندان و علما تنگ ساخته بودند، ناچار راه هجرت را در پیش گرفتند. یکی از این شخصیت های برارنده و دانشمند جناب «سید بهاءالدین مجروح» بود که به ضرب گلولهٔ آدم کشان تنگ نظر حزب اسلامی در پیشاور در دروازهٔ منزلش ترور شد چون او بود که با صراحت با آنانیکه مقاومت دلیرانهٔ مردم افغانستان را گروگان گرفته بودند مخالفت میکرد و صدای اکثریت خاموش ملت افغانستان را با نشر مجله و روزنامه و نظر پرسى های مردم بلند کرده بود. برخی دیگر زیر نام های مستعار نوشته ها و آثار شان را به چاپ میرساندند چون کفایت میکرد که حتی یک سطر از نوشتهٔ شان به مذاق یکی از تیکه داران خوش نمی‌خورد.

استاد عبدالله سمندر غور یانی یکی از این دانشمندان است که دران ایام در پیشاور بسر میبرد و اثری داشت فلسفی تحت عنوان « ماده و معنی» که برای پیشاور نشینان قابل درک و پذیرش نبود بناءً آنرا بنام مستعار « ابو الوفا» نشر کرد و نتوانست نام خودش را بکار برد. اینست نمونهٔ از آنچه اختناق و استبداد حاکم بر جامعه تحمیل میکند و استفاده از نام مستعار تحت چنین شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه نه تنها مجاز بلکه یک امر حتمی پنداشته می‌شود نه اینکه در یکی از کشورهای اروپائی و یا امریکا با استفاده از همه نعمات زندگی مادی و یک فضای آرام، باز هم در پردهٔ ابهام نام دیگری به عاریت گرفت و برای فرار از شماتت و ملامتی و جوابگوئی چهره در نقاب استعار کشید.

پایان

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي